

مقدمه

تبلیغات در ادیان و فرق و در کل مسلکهای مختلف نقش کلیدی دارد. اما نکته در اینجاست که تبلیغات برای آگاهی بخشی به اهل عالم است یا فریفتن آنها، یعنی تبلیغ صورت می گیرد تا افراد بشر زندگی بهتری داشته باشند یا، عده ای مقاصد ظالمانه ی خود را جامه ی عمل بپوشانند؟

شبکه ی کلیسای خانگی که چندی است به صورت جدی شروع به تبلیغ مسیحیت نموده است و در راستایی می کوشد، که این جهت گیری بنابر اشاره مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... خامنه ای (مد ظلله العالی) زمینه ساز ضعیف شدن دین در جامعه است. ما در این جزوه بر آنیم تا در حد امکان پیرامون این مقوله و شبهات القایی از سوی شبکه ی کلیسای خانگی مطالبی را معروض داریم.

باشد تا نیک و بد روی بنمایند و اهل تحقیق راه خود را باز یابند.

هدف از تبلیغ این شبکه همانگونه که ذکر آن رفت تضعیف دین رسمی کشور و نیز زمینه سازی برای بدست گرفتن منابع و منافع ملت ایران و سایر ملل و ممالک اسلامی است. زیرا امروز با پیوستن مسلمین جهان به موج بیداری اسلامی و بر هم خوردن توازن قوا در برخی از حوزه ها موجب گردیده تا صاحبان زر و زور و تزویر بر آن شوند تا اسلام ناب محمدی (ص) را در موضع ضعف قرار دهند. از همین رو است، که دست به تبلیغ مرام و مسلک هایی می زنند تا به هر طریق ممکن به اهداف شوم خود که همان فریفتن نوع بشر است نائل آیند. شاید بتوان تبلیغات این شبکه را که به نوعی معرف چگونگی عملکرد این مجموعه نیز هست را در قالب های زیر تقسیم بندی نمود: تبلیغات تلویزیونی، تبلیغات شهری، تبلیغات در اقصاء، تبلیغات در کلیسای خانگی، اینترنت، اغواگران. که هر کدام از موارد بالا نیاز به توضیحی مفصل دارد که البته در جای خود خواهد آمد. اما پیش از آنکه به موارد بالا نظری بیفکنیم و سخنی بگوییم، ابتدا باید به اصل نگرش مسیحیت به عنوان یک دین و مباحثی مانند توحید با

توجه به دیدگاه مسیحیان دقت کنیم. و سؤالات خود را مطرح نمائیم. مسیحیان بنا بر آنچه در اناجیل است مانند :

« ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید بده » و « انجیل متی ۱۹/۲۸ ». یا « انجیل یوحنا ۳۰/۱۰ » « من و پدر یکی هستیم » اعتقاد به تثلیث دارند که به موجب آن باید سه خدا توأم با یکدیگر وجود داشته باشند. حال ما با طرح سؤال و یک برهان اینگونه بیان می داریم که چگونه ممکن سه واجب الوجود یعنی کسی که وجودش به ذات موجود است وجود داشته باشند، باشد. مسلمانان برای اثبات وحدانیت خداوند از برهانی به نام برهان فارابی استفاده می کنند؛ ما برای فهم بهتر مثالی را بیان می کنیم. فرض کنید که ۱۰ سرباز در جایی هستند تا حمله ای را صورت دهند وقتی قرار است حمله انجام بگیرد هر کدام انجام حمله را مشروط به شروع شدن حمله از سوی نفر دیگری می نماید. آیا اگر در این میان، یکی از سربازان بدون توجه به دیگران حمله خود را آغاز نماید ممکن است حمله ای صورت پذیرد؟ هر عقل سلیمی می داند که حمله هرگز صورت نخواهد پذیرفت زیرا هر کدام کار را به دیگری محول

می نماید. خلقت هم اینگونه است، اگر ما بپذیریم که امروز هستیم پس یا خود به ذات خلق شده ایم مانند سربازی که بدون توجه به دیگران حمله می کند، یا باید دیگری باعث خلقت ما شده باشد. این در حالی است که به روشنی می دانیم زمانی بوده که ما نبوده ایم پس ما را دیگری خلق کرده و اگر آن دیگری متکی به ذات خود نباشد او را هم باید دیگری خلق می نمود و اگر این زنجیر ادامه پیدا کند و در جایی قطع نشود هرگز نبایستی خلقتی وجود می داشت. مانند آنجایی که نباید حمله ای صورت می گرفت زیرا هر کدام از سربازها منتظر دیگری بودند. پس باید حلقه شکسته شود و کسی بدون واسطه از ازل تا به ابد وجود داشته باشد آن هم وجودی مستقل از دیگران. حال سؤال در اینجاست زمانی بوده که عیسی (ع) نبوده است و این بر همگان واضح است چگونه ممکن است که این پیامبر بزرگ الهی (ع) همان خداوند باشد، در حالی که او در زمانی وجود نداشته است.

البته بر رد تثلیث براهین دیگری مانند وحدت نوعیه و شخصیه و جنسیه هم ارائه شده است که ما به آنها نمی پردازیم. اما ذکر این

نکته خالی از لطف نیست که متأسفانه بازکاوی عقیده تثلیت به مکاتب هندوها و بت پرستان منتهی می شود. این عقیده با عقاید مسیحیان و خود اناجیل نیز در مواردی تضاد دارد مانند:

یوحنا ۱۹/۵ « پسر (مسیح) به تبع پدر (خداوند) از آن مطلع است ». که از این دست مباحث را می توان در اناجیلی مانند متی ۲/۶. لوقا ۳۶/۲۰ نیز یافت. از تثلیت که بگذریم به اعتقادی دیگری خواهیم رسید و آن اعتقاد به صلب و فدا است که آن نیز متأسفانه شباهت بسیاری به عقیده ی بودائیان دارد. ماکس مولر می گوید:

« بودائیان معتقدند که بودا می گفت: همه گناہانی را که از بشر سر می زند من به گردن می گیرم تا جهان رستگار گردد » « تاریخ ادبیات سانسکریت ص ۸۱ » و جالب آنکه این سخن (صلب و فدا) را فقط پولس می گوید و در جای دیگری نشان از این نوع خط فکری یافت نمی شود و حتی بزرگانی از مسیحیت هم در مقابل این سخنان که در رساله رومیه (رساله نگاشته شده توسط قدیس پولس) موضع گیری کرده اند و آن را نپذیرفته اند مانند « پلاگیوس » که معتقد

بود که اثر گناه در خود شخص مشخص می شود، یعنی هر گناهی در روح انجام دهنده ی آن اثر می گذارد ، نه دیگران. که البته بعدها او را به خاطر همین اعتقاد محاکمه کردند و بی سرو صدا از میان برداشتند.

بد نیست تا قدیس پولس را نیز بشناسیم. *شائول یهودی فریسی* کسی که به اعتقاد بسیاری عامل انحراف تعالیم مسیح (ع) بوده است. مسیحیان معتقد هستند او مسئول انتشار مسیحیت در غیر یهودیان بوده است. دکتر *علی الشیخ* استاد دانشگاههای اسلامی قم که قبلاً مسیحی بوده و اکنون شیعه شده است اعتقاد دارد آنچه پولس بر سر تعالیم حضرت مسیح (ع) آورد مشابه توطئه ای است که سقیفه علیه اسلام راستین روا داشت. حال که سخن بدین جا رسید نیکوست که کمی نیز از پولس قدیس بدانیم.

این شخص که از فریسیان است در خانواده ای یهودی چندی پس از میلاد مسیح (ع) در خارج از سرزمین فلسطین به دنیا آمد برای او نام *شائول* را برگزیدند و پس از گرایش به مسیحیت نام پولس را انتخاب کرد که هم معنی کلمه *شائول* یعنی کوچک است. او در بیت المقدس

نزد عمالاییل برجسته ترین عالم یهودی، تعالیم دین موسی (ع) را آموخت و سپس از مفاهیم فرهنگ روم بهره جست که شالوده ی بسیاری از عقاید او را شکل می داد. او جزء دست اندرکاران شکنجه ی /ستفان بود و بعد از شهادت او، از مجمع یهودیان اورشلیم برای دستگیری و آزار نو مسیحیان فرمان گرفت و به سمت دمشق راهی شد. او مدعی بود که در اثنای این سفر خوابی دیده که مسیح (ع) او را مأموریت داده تا حامی دین جدید باشد!

این شخص که هرگز مسیح (ع) را ندید و خود یکی از شکنجه گران مسیحیان بود عقایدی را به آیین مسیح (ع) داخل می کند که می توان یکی از آنها را صلب و فدا عنوان کرد، که شاید او این خرافه را برای آرام کردن روح خود که زمانی به شکنجه ی مسیحیان می پرداخته، ساخته است. او همچنین رعایت حلال و حرام را در شراب (نوشیدن) و طعام لازم نمی داند. مقوله ی تثلیث هم از عقایدی است که پولس وارد شریعت مسیح (ع) کرد، او در نامه ی خود به مسیحیان رومی می نویسد: « این مزده درباره فرزند خدا یعنی خداوند ما عیسی مسیح است که به صورت نوزادی در خاندان

داوود پیغمبر به دنیا آمد ولی بعد از اینکه مرد دوباره زنده شد نشان داد که فرزند نیرومند خدا و دارای ذات پاک خدا است» و در نامه اش به مسیحیان غلاطیه می نویسد «از خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح می خواهیم که شما را مورد لطف و رحمت خود قرار دهند». اما آموزه های پولس که اشاراتی مختصر به آن شد توانست فراگیری و پیروزی چشم گیر پیدا کند. این پیروزی ها منجر شد تا روحی جدید در کالبد تعالیم پولس دمیده شود. کلیسا خود را اسرائیل جدید به شمار آورد و جای ملت برگزیده ی خداوند (یهود) را اشغال کرد، در حالی که پیش از آن کلیسا خود را جزء اسرائیل به حساب می آورد و از آداب یهود پیروی می کرد. پس از آنکه کنستانتین دین رسمی روم را مسیحیت اعلام کرد برای یهودیان محدودیت هایی بسیار اعمال شد و یهود را به عنوان شیاطین و قاتلان مسیح معرفی کردند و آزار و اذیت های بسیاری خصوصاً بعد از آغاز اولین جنگ صلیبی در تمامی ممالک اروپایی اعم از آلمان، فرانسه، اسپانیا و ... بر یهودیان روا داشته شد. با تمامی این تفاسیر فلاسفه و بزرگان مسیحیت نسبت به آموزه های یهود توجه نشان

دادند و یهودیان به آئین مسیحیت درآمد، نقش مهمی در حیات فرهنگی و مذهبی مسیحیان پیدا کردند و نیز نیاز به تفسیر انجیل و کتاب مقدس که مستلزم یادگیری زبان عبری بود منجر شد، یهودیان در اموری داخل شوند و خطوط فکری آنان در میان مسیحیان به صورت پررنگ و اثرگذار به چشم بیاید.

بدین صورت بود که نسلی با نام **مسیحیان یهودی** پدید آمد، یعنی کسانی که با اجبار و فشار مسیحیت را پذیرفته بودند، ولی در نهاد خود یهودی بودند و آموزه های آن را به سایرین تلقین می کردند و در واقع آئینی نو پدید آمد.

که سرآغاز آن آموزه های پولس بود و آن کسانی که ادامه دهنده ی این مسیر بودند یهودیان مسیحی شده بودند که آئین مسیحیت را خلطی از مباحث یهود قرار دادند. که البته این یهود نه همان دین موسی کلیم (ع) ، بلکه آن نیز آموزه هایی است از عرفانهای همچون **کابالا** که خود مأخوذ از عرفان مصر باستان و شرک محض است. از کسانی که در به وجود آمدن سیل عظیم مسیحیت یهودی مؤثر بودند

می توان از *مارتین لوتر* نام برد، بنیان گذار و رهبر جنبش اصلاح طلبان پروتستان.

او در کتاب خویش « مسیح یهودی زاده شد » اینگونه دیدگاههای یهودیت را مورد تأیید قرار می دهد. « روح القدس خواست که تمام اسفار کتاب مقدس فقط از طریق یهود نازل شود. یهود، فرزندان خداوند و ما میهمان و بیگانه هستیم، می بایست به این رضایت دهیم که به سان سگهایی باشیم که از پس مانده ی غذای اربابش می خورد، دقیقاً به سان زن کنعانی » و پس از دستور هنری هشتم مبنی بر ترجمه تورات بنابر گفته ی مورخین، تورات بیشترین تأثیر را بر فرهنگ انگلیس گذاشت تا جایی که مسیحیان مطالب آن را تماماً حفظ شدند و به گونه ای شد که مسیح فقط یک پیامبر از زمره پیامبران یهود به حساب آمد. (به نقل از کتاب ^۱ کتاب مقدس و شمشیر" اثر باربارا توخمن، مورخ یهودی) پس از مسیحیت چیزی جز تعالیم یهود باقی نماند.

تمامی سخنان بیان شده و نیز سایر فعالیتهای عبرانی ها که از آن جمله می توان به درخواست پروتستانیسیم/افراطی (پورتانیسم) اشاره کرد که آنها خواستار قرار گرفتن تورات به عنوان قانون اساسی بودند. بیش از این در این موضوع به کنکاش نمی پردازیم. فقط منظور این بود تا به علت حمایت کلیساهای خانگی از یهود و اسرائیل به صورت زیر بنایی اشاره ای کرده باشیم.

در همین راستا شبکه های کلیسای دیداری که به میان خانه و خانواده ها راه پیدا کرده اند نقش مهمی در پرستش و تبلیغ اسرائیل دارند و عقایدی را ترویج می کنند که یهود صهیونیست به آن محتاج است، این شبکه ها که به جمع آوری کمک برای اسرائیل می پردازند برای بینندگان خود سفرهایی به اسرائیل نیز در نظر گرفتند، تا این نکته را برای همه نهادینه کنند که اسرائیل در برنامه فرجام جهان خداوند که با جنگ آرماگدون و دومین ظهور مسیح آغاز می شود نقش محوری و اساسی دارد. در این میان مبلغان تلویزیونی که موضوع این بخش از سخنان ما هستند تبلیغاتی از این دست دارند که: «خداوند کنار اسرائیل و نه در کنار اعراب تروریست ایستاده

است». (پث رابرتسون) از دیگر مبلغان مسیحیت یا همان مبلغان اسرائیل پرستی می توان سخنان /یو/ اشاره کرد. او در اطلاعیه ای که برای رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر اسرائیل ارسال کرد می نگارد : «هر کس اسرائیلی ها را مورد رحمت و لطف خویش قرار دهد او را مشمول لطف و رحمت خویش قرار می دهیم و هر کس آنها را لعن و نفرین کند او را لعن و نفرین خواهیم کرد » او این سخنان را به خداوند منتسب می کند و ایمان خویش و همفکرانش را نیز به آن اعلام می دارد.

اما نکته ای قابل توجه درباره ی یکی از معروفترین کشیش های تلویزیونی یعنی «جیم بیکر» است که با «جسیکا هاهن» منشی کلیسای «دریابندگان خدا» دارای روابط جنسی نامشروع بوده است و جالب تر آنکه تصاویر خود را به مجله همجنس گرایان «پلی بوی» فروخت، همچنین وی با همسرش «تامی» در مجالس همجنس بازان شرکت می کرده. یکی دیگر از معروفترین مبلغان تلویزیونی «جیمی سوگارت» نیز در هتلی در حال زنا با یک زن دستگیر شد.

(منبع : مسیح یهودی و فرجام جهان ، فصل سه . نوشته رضا هلال . ترجمه ی قبس زعفرانی . انتشارات موعود)

تا حدودی آشکار شد که کلیساهای خانگی نه تبلیغ مسیحیت، بلکه تبلیغ آموزه های پولس قدیس و همچنین حمایت از اسرائیل و صهیونیست را انجام می دهند.

حال کمی نیز به فعالیت های این شبکه ی صهیونیستی در داخل ایران می پردازیم.

آنگونه که در ابتدای این نوشته بیان کردیم یکی از راههای تبلیغ کلیسای خانگی روش تلویزیونی است. حربه های این شبکه عبارت است از : تبلیغ برای معتادان و معلولین، نشان دادن مسیحیت به عنوان یک دین فراگیر که با نماهنگ هایی از درون ایران نیز همراه است. اما نکته جالب توجه همان اسرائیل پرستی است که مجری شبکه «نجات تی وی» می گوید «کسی که اسرائیل را لعنت می کند در حقیقت به خودش لعنت می فرستد. چون اسرائیل سرزمین مقدسی است پس کسی که می گوید مرگ بر اسرائیل این مرگ به خودش باز می گردد.»

در روش شهری تبلیغات به وسیله ی پخش کتاب صورت می گیرد کتابهایی مانند « داستان خدا » « کتاب آفرینش » و

در بخش تبلیغات اقشار بیشترین تمرکز بر روی مخالفان سیاسی نظام، بهائیان، دختران فراری، کودکان خیابانی، بی دین ها، معلولان جسمی، مبتلایان به بیماری های صعب العلاج، دانشجویان و معتادان قرار دارد.

تبلیغ به روش کلیساهای خانگی : در این روش محلهایی برای جذب و آموزش تازه مرته‌ها به وسیله ی کشی‌شها و ... اجاره می شود و آموزش ها در این مکانها صورت می گیرد.

در اینترنت نیز فعالیت این شبکه ی صهیونیستی، با حداقل ۳۰ سایت و ۱۸۰ وبلاگ شناخته شده در حال انجام است که این زمینه نیز با مظلوم نمایی، تشویش اذهان عمومی و ... به کلیسای خانگی منتهی می شود.

اغواگری از طریق جنسی نیز یکی از روشهایی است که بسیار مورد استفاده قرار می گیرد، که گروه های منحرف و پوچ برای جذب انسان

های هوس باز به خصوص پسران و مردان جوان از آن بهره می گیرند و شبکه ی کلیسای خانگی نیز از آن بسیار بهره مند شده است. شاید خالی از لطف نباشد که در این بخش از نوشتار خود به سلطه ی تفکر مسیحیت یهودی صهیونیستی که کوشش می شود آن را مسیحیت ناب و سراسر عشق معرفی کنند بر روی رسانه های تأثیر گذار جهان بپردازیم.

این تفکر نه فقط به صورتهایی که بیان شد در صدد است تا افکار خود را ترویج دهد بلکه با تملک بنگاههای بزرگ اطلاع رسانی و در صدر همه هالیوود کوشش می کند با ساخت آثار نمایشی مانند فیلم، انیمیشن، کلیپ و ... اسطوره های خود را که حاملان پیامهای این تفکر استعماری هستند را در ذهن مخاطبان خود به عنوان مدافعان بشریت و آزادی بخشان حقیقی حکاکی کند.

در این میان می توان به شبکه ی «CBN» اشاره کرد که پیشوای جهان انیمیشن بر مبنای کتاب مقدس است. آنان برای جامه ی عمل پوشاندن به تفکرات خود بسیاری از هنر پیشگان را که به نوع تفکر اوانجلیستی (مسیحیت صهیونیستی) معتقد نبودند را از دور خارج

کردند که می توان از آن میان به « آلن دلون » ، « سوفیا لورن » ،
 « اما تامسون » و نیز « چارلی چاپلین » اشاره کرد.

آنها برای درونی کردن مفاهیم خویش دست به اسطوره سازی نیز
 می زنند. اسطوره هایی که جامع فضائل یک جامعه ی اومانیستی
 باشد. از آن میان می توان به اسطوره ی ملت واحد اشاره کرد که در
 آن سعی می شود یهودیان جهان را به عنوان ملتی واحد و پیکره ای
 جدا ناپذیر معرفی کند، که این مسأله به گونه ای ناسیونالیسم (ملی
 گرایی) یهودی را ترویج می کند، یعنی آنان معتقدند یهودیان در
 فرهنگ ملل حل نمی شوند و ادغام برای ایشان صورت نمی پذیرد و
 اگر کسی بر ضد این اسطوره قدمی بردارد حتماً با برخورد سخت
 سران صهیونیست مواجه خواهد شد. مانند فیلم **تکوما** که ایده ای بر
 خلاف این نظر را ترویج می کرد که با تهدید به مرگ کارگردان این
 مجموعه مواجه گردید. از سایر اسطوره های صهیونیستی می توان به
 اسطوره "دولت الهی اسرائیل"، اسطوره "سرزمین بدون مردم"، برای
 مردم بدون سرزمین"، اسطوره ی "بهشت زمینی"، "اتوپی بنی
 صهیون"، "آرمان شهر بسته و معاد مادی"، اسطوره ی "خدای

ناتوان" ، "توحید قومی و الوهیت یهود" ، اسطوره "شیطان قدرتمند" مقدمه ای بر پرستش شیطان و ... (می توانید برای توضیح مطالب فوق به کتاب اسطوره های صهیونیستی سینما، نوشته محمد حسن فرج نژاد، نشر هلال مراجعه کنید).

منابع :

- ۱- نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی / انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲- مسیح یهودی و فرجام جهان / رضا هلال / ترجمه قیس زعفرانی / چاپ هلال
- ۳- اسطوره های صهیونیستی سینما / محمد حسن فرج نژاد / چاپ هلال
- ۴- سایت خبری فارس، سایت یادداشتهای مأمورین اعزامی برزیل.

○ در ضمن علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات کامل تر کتب منتشر شده از سوی مؤسسه موعود عصر (عج) را با نام مجموعه مطالعات فرهنگی تهیه نمایند.